

مقاله ای در رابطه با آیه ی تطهیر

با استفاده از بیانات و تصحیح استاد محقق

آیت الله جعفری (قدس سره)

## بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه:

سوال اساسی که در خصوص عصمت اهل بیت علیهم السلام مطرح است این است که چگونه انسان می تواند هیچ گونه گناه و اشتباهی را مرتکب نشود؟ یعنی اگر فرد، انسان بسیار صالح و خوبی نیز باشد باز ممکن است حتی به صورت ناخواسته مرتکب لغزش و گناه گردد و در نتیجه در مورد ائمه این سوال مطرح می شود که آیا اهل بیت علیهم السلام با سایر انسانها از جهت دارا بودن غضب و شهوت فرق دارند؟ آیا خداوند به وسیله عدم قرار دادن غضب و شهوت در وجود آنان، ایشان را از اشتباه و لغزش دور ساخته است؟ در غیر این صورت راه دیگری به ذهن می رسد.

در پاسخ به این شبهه باید گفت اگر معنای «خواست الهی» را به درستی دریابیم خواهیم توانست به پاسخی روشن و دقیق دست یابیم.

### «اراده و اختیار» در آیه ی تطهیر:

به طور کلی می توان خواست و اراده خداوند در خصوص مخلوقاتش را به دو صورت بیان کرد: نوع اول این اراده به صورت مجموعه ای از دستورالعمل های خاص برای ما انسانهاست که باید به آن عمل کنیم، همانند: نماز خواندن، روزه گرفتن، دروغ نگفتن، تکبر نداشتن و غیره. اما در این نوع از اراده الهی اگرچه خداوند واقعاً می خواهد که ما دستوراتش را انجام دهیم، ولی خود او اراده ما را در انجام آنها و محقق شدن خواسته اش مؤثر قرار داده است. لذا تا ما خود نخواهیم و با اختیار خود عمل نکنیم، این اراده خداوند محقق نمی شود. اما نوع دیگر اراده و خواست خدا به گونه ای است که ما چه بخواهیم و چه نخواهیم، آنچه خدا می خواهد، اتفاق می افتد، ولی چگونه؟ همه می دانیم که همه چیز در دست اوست، وقتی خدا اینگونه اراده کند، به نحوی در

آفرینش و خلقت موجودات اثر می‌گذارد که چه آنان بخواهند و چه نخواهند، در یک چشم به هم زدن همانگونه که او می‌خواهد، اتفاق می‌افتد. مثلاً روز و شب، طلوع و غروب خورشید و غیره، هیچ یک به دست ما نیست و به اراده ما بستگی ندارد، بلکه خداوند به گونه‌ای نظام آفرینش و خلقت آنان را تنظیم نموده که اینگونه باشند.

اگر واقعاً خدا به همین ترتیب بخواهد که اهل بیت علیهم السلام از هر گناه و خطایی پاک و پاکیزه باشند، پس یعنی آنها به گونه دیگری هستند و خلقت آنان با ما فرق دارد در نتیجه آنان دیگر انگیزه‌ای برای گناه ندارند، مانند کسی که از زمان به دنیا آمدن، دریچه چشمانش به روی دنیا بسته بوده. چنین شخصی حتی مفهوم رنگ هم برایش مطرح نیست، چه برسد به توصیف رنگ‌ها و منظره‌های مختلف.

بنابراین اگر خواست خداوند اینطور باشد، اهل بیت علیهم السلام از همان ابتدا که خلق شدند، نمی‌توانستند گناه کنند. لذا این اراده الهی در خصوص آنها در همان موقع و در یک لحظه به وقوع پیوسته بود، ولی خداوند در این آیه وقتی از اراده خود سخن می‌گوید، آن را مستمر و دائمی می‌داند، نه مربوط به گذشته که در یک لحظه محقق شده باشد. حتی از اراده خویش با فعل مضارع یاد می‌کند. در نتیجه اراده خدا در این آیه از این نوع نمی‌تواند باشد.

از سوی دیگر خداوند اصل خلقت بشر را به گونه‌ای قرار داده که برای دستیابی به سعادتش خود باید فکر کند، تصمیم بگیرد و راهش را انتخاب کند. اصلاً کمال و سعادت ما نیز بر خلاف بقیه موجودات از طریق همین انتخاب آگاهانه تأمین می‌شود. اهلبیت علیهم السلام نیز مانند ما از جنس بشرند و طبیعتاً از این قاعده به کلی مستثنا نمی‌شوند. پس واقعاً از نظر خلقت، اهل بیت علیهم السلام با ما فرق ندارند. آنها هم مثل ما عامل‌های انگیزشی زیادی برای گناه کردن دارند و آنها هم مثل ما مسیر زندگیشان را خودشان انتخاب می‌کنند. از این رو معلوم می‌شود که اراده‌ی خداوند در آیه‌ی تطهیر وابسته به اختیار و عملی است که اهل بیت علیهم السلام خود انجام می‌دهند.

همانطور که می‌دانید خداوند متعال از تک تک ما انسان‌ها می‌خواهد که گناه نکنیم و پاک و طاهر باشیم، حتی در این خصوص در آیه‌ی ۶ سوره مائده فرموده:

﴿مَأْيِدُ اللَّهِ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ﴾

ترجمه

اما از طرفی وقتی به سراغ آیه تطهیر می‌رویم با مسئله متفاوتی روبه‌رو می‌شویم، زیرا خداوند در آیه تطهیر تنها و تنها از اهل بیت علیهم السلام می‌خواهد که پاک و پاکیزه باشند و حتی این موضوع را سه بار هم تأکید می‌کند.

مشخص است که اهل بیت علیهم السلام با تمامی عوامل انگیزشی برای گناه کردن را در خود دارند و از این حیث همانند سایرین هستند، اما خواست خداوند در خصوص گناه نکردن و پاک و پاکیزه بودن آنها کمی با بقیه متفاوت است، ولی این خواست چگونه است؟

همه ما می‌دانیم انبیا علیهم السلام فرستادگانی هستند که برای رساندن پیام خدا به سوی ما آمده‌اند، باید در خصوص رساندن پیام الهی بدون خطا و اشتباه عمل کنند و حتی قرآن کریم آنها را در سراسر زندگیشان پاک و طاهر می‌داند. لذا خداوند همین دور بودنشان از گناه را از آنها می‌خواهد، اما در خصوص پیامبران علیهم السلام در عین محفوظ بودن اختیارشان، این اراده قطعاً محقق می‌شود.

پیامبران علیهم السلام در عین حال که خود مسیر زندگیشان را با اختیار انتخاب می‌کنند، اما هیچ موقع به گناه آلوده نمی‌شوند و حتی در سخت‌ترین شرایطی که امکان گناه کاملاً برایشان مهیا بوده، با اختیار خود از آن فاصله گرفتند و هرگز گوهر پاک خود را نیالوده‌اند. لذا این خواست الهی علی‌رغم بقیه مردم در خصوص آنها محقق شده است. //

به عنوان مثال قرآن کریم داستان حضرت یوسف را بیان می‌کند، همسر عزیز مصر شیفته یوسف شده بود، همه امکانات برای حضرت یوسف مهیا بود که پیشنهاد گناه زلیخا را بپذیرد بی آنکه کسی بفهمد و اتفاق خاصی بی‌افتاد، اما همه اینها نتوانست حضرت یوسف را بفریبد. یوسف در برابر چنین گناهی که تعداد بیشماری را به کام خود کشیده، حتی ذره‌ای شکّ در دل خود راه نداد و از آن رو گردانید. لذا او خواست پروردگارش را همانطور که او می‌خواست، اجابت کرد.

از این رو متوجه می‌شویم که چرا خداوند در زمان نزول آیه تطهیر خواست خود را تنها و تنها به اهل بیت علیهم السلام اختصاص داده است و اراده کرده که تنها از آنها هرگونه رجس را بزدايد. زیرا در حقیقت اگرچه اهل بیت علیهم السلام همانند بقیه مردم اختیار دارند و خدا از همه می‌خواهد که گناه نکنند، ولی بر خلاف سایرین اراده الهی در خصوص اهل بیت علیهم السلام محقق می‌شود. تأکیدهای آیه نیز شاهد خوبی بر این مطلب است.

### عصمت اهل بیت علیهم السلام:

در اینجا یک نکته باقی می‌ماند و آن این است که اگر اهل بیت علیهم السلام کاملاً اختیار دارند، پس چگونه حتی یک خطا هم مرتکب نمی‌شوند و چطور می‌توان به طور قطعی گفت که آنان هیچ اشتباهی مرتکب نمی‌شوند؟

اگر خوب فکر کنیم، می‌بینیم که گاهی در فراز و نشیب زندگی بر سر دوراهی‌هایی قرار می‌گیریم، اما با اینکه راه درست را می‌رویم، ولی دقیقاً کار اشتباه را انجام می‌دهیم. زیرا آنچه‌ها برای ما میل و کشش ایجاد می‌کند که باعث می‌شود دیگر نتوانیم به بدی آن فکر کنیم و علی‌رغم آنکه می‌دانیم بعداً پشیمان می‌شویم ولی به سویس می‌رویم. در مقابل بسیاری از مواقع هم تمام سعی خود را به کار می‌گیریم و در رویارویی با اینگونه مسائل سر بلند میدان می‌شویم، زیرا که در کشاکش عقل با غضب و شهوت، طرف عقل را گرفتیم اما چطور می‌شود که هیچ وقت کشش و جاذبه‌ی گناه ما را نفریبد؟

شاید بتوانیم با مثالی آنرا روشن کنیم: کارخانه‌ای را در نظر بگیرید که شمش‌های طلا درست می‌کند، برای اینکه طلا را در قالب‌های موردنظر شکل دهند، باید بیش از هزار درجه سانتیگراد به آن حرارت دهند تا ذوب شود. به نظر شما با تمام ارزشی که طلا دارد، به طوری که انسان‌های بیشماری به دنبال این فلز گرانبها هستند، آیا فردی پیدا می‌شود که بخواهد مقداری از این طلای ذوب‌شده را حتی برای لحظه‌ای اندک لمس کند؟

گناهان نیز همین‌گونه‌اند، آنها با اینکه ممکن است زرق و برق بسیاری داشته باشند، اما در اصل پیک آتشی هستند که به راحتی گوهر وجود انسان را می‌سوزانند. اگر ما به حقیقت و باطن گناهان و معاصی توجه داشته باشیم، هیچ‌گاه حاضر نمی‌شویم حتی برای لحظه‌ای به آن فکر کنیم، چه رسد به انجام آنها. در حقیقت وقتی که ما از غضب و شهوتمان شکست می‌خوریم، زشتی گناه و خطا را درست لمس نکرده‌ایم.

انبیاء و اولیاء الهی با توجه به همین نکته است که به سراغ گناه نمی‌روند، زیرا که آنها بدی و زشتی گناه را با تمام وجود حس می‌کنند. در واقع خداوند خود این مسئله را به آنها نشان می‌دهد و حتی در داستان حضرت یوسف از آن به «برهان رب» تعبیر می‌کند - نه «عذاب» که بفرماید: «لولا أن رأى عذاب ربّه». «برهان رب» یعنی نوعی تکامل عقلی، حضرت یوسف به گونه‌ای بود که خودش را مافوق گناه می‌دانست، یعنی معرفتش نسبت به خدا و عظمت الهی و غیره مافوق این مسائل بود. این «برهان خدا» مقید است که وقتی پیغمبر با گناه مواجه می‌شود، برهانش را به او نشان می‌دهد، یعنی عظمت خدا را می‌بیند و وقتی عظمت را ببیند، دیگر برای گناه ارزشی قائل نمی‌شود. - پس در حقیقت یک پیامبر الهی می‌بیند که گناه کردن، بازی با آتش است، درست مثل همان کارگری که حرارت فلزات را با تمام وجود خود لمس می‌کند. لذا پیامبران الهی حتی فکر آن را هم نمی‌کنند که به آن نزدیک شوند، چه برسد که آن را انجام دهد.

پس راز و رمز دوری اهل بیت علیهم‌السلام از هر خطا و اشتباه بزرگ و کوچکی نیز همین است. آنان با بهره‌گیری از نیروی عقل خود و با معرفت و شناختی بالاتر که خداوند خود به آنها داده، واقعاً زشتی گناه را با تمام وجود می‌یابند و لذا هرگز حاضر نمی‌شوند که خود را به آن آلوده کنند. بنابراین هرگونه آلودگی چه در

مقام عقلی و چه در مقام عملی کاملاً از آنها دور گردیده و این همان معنی عصمت است، همان مقامی که در زمان نزول آیه تنها و تنها در خصوص اهل بیت علیهم السلام محقق بوده است.

بنیاد فرهنگ جعفری

## سبب قرار گرفتن آیه ی تطهیر در میان آیات مربوط به زنان پیامبر صلی الله علیه و آله:

به راستی چرا خداوند متعال آیه تطهیر را در بین آیاتی که در خصوص زنان پیامبر صلی الله علیه و آله آمده، آورده است؟ چرا خداوند وقتی که در حال سخن گفتن با همسران پیامبرش می باشد، لحن صحبت را عوض کرده و متوجه اهل بیت علیهم السلام می کند؟

برای اینکه بهتر بتوانیم جواب این سؤالات را بررسی کنیم، مثالی را بیان می کنیم: دانشمندی را تصور کنید که از نظر علمی در سطحی قرار دارد که بسیاری از مشکلات جامعه را به او ارجاع می دهند، لذا در میان جامعه از موقعیت اجتماعی ویژه ای برخوردار است و مورد احترام فراوان مردم است. حالا اگر فرزند چنین شخصیتی عمل ناپسندی انجام دهد، طبیعی است که افرادی او را به شدت سرزنش می کنند و از ادامه عملی که انجام می دهد، باز می دارند. زیرا که پدر او علاوه بر عالم و اندیشمند بودن، مورد اعتماد فراوان مردم است و این امکان وجود دارد افرادی اشتباه پسر را به حساب پدر بگذارند و در نتیجه آبروی پدر به خطر بیفتد و از اعتماد مردم نسبت به او کاسته شود.

در خصوص زنان پیامبر صلی الله علیه و آله نیز همین گونه است، زیرا که آنها با شخصیت بزرگ و با عظمتی چون نبی اکرم صلی الله علیه و آله نشست و برخاست می کنند و با اهل بیت او در ارتباط نزدیک هستند. لذا خداوند با آوردن آیه تطهیر خواسته است به موقعیتی که زنان پیامبر صلی الله علیه و آله در آن قرار دارند را نشان دهد و آنها را متوجه سازد که در حال رفت و آمد با چه خانواده ای هستند. افرادی که از هر گونه گناه و معصیت به دور هستند و همچنین در تمامی افکار و کارهایی که انجام می دهند، پاک و مطهرند.

به سبب همین ارتباطی که زنان پیامبر با نبی اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت در آیه ی تطهیر دارند، خداوند از آنها انتظار بیشتری نسبت به سایرین دارد و لذا سختگیری های مضاعفی را نموده است.

زیرا که اگر زنان پیامبر صلی الله علیه و آله خطایی را انجام دهند، ممکن است اشتباهشان در نظر برخی از مردم به حساب پیامبر صلی الله علیه و آله یا اهل بیت علیهم السلام نیز گذاشته شود و در ذهن آن افراد آسیبی به مقام و منزلت اهل بیت علیهم السلام وارد شود. بر همین اساس است که اگر زنان پیامبر صلی الله علیه و آله عمل صالحی را انجام دهند، خداوند برایشان دو برابر پاداش و یا اگر گناه آشکاری انجام دهند، دو برابر عذاب در نظر می گیرد.

اما آیا همین مقدار که بدانیم اهل بیت علیهم السلام دارای مقام رفیع و عظیمی چون عصمت هستند، کفایت می کند؟ معصوم بودن اهل بیت علیهم السلام چه نتیجه ای برای ما در بر دارد؟ و به راستی طهارت و پاکی اهل بیت چه تأثیری در زندگی ما که شیعیان آنها هستیم به وجود می آورد؟

## اهل بیت علیهم السلام؛ مفسر حقیقی قرآن:

اگر به آیات قرآن رجوع کنیم، متوجه می‌شویم که خداوند متعال جایگاه خاصی برای عصمت اهل بیت علیهم السلام قائل است که مفهوم بسیار ظریفی را به ما نشان می‌دهد. خداوند در قرآن کریم جایگاه ویژه‌ای را برای مطهران و پاکان اختصاص داده است. بررسی آیات قرآن مشخص می‌کند که تنها افراد پاک و مطهر می‌توانند حقیقت قرآن را درک کنند و به عمق معارف آن پی ببرند و جز آنان کس دیگری به حقیقت مفاهیم قرآن راه ندارد. این مسئله را خداوند متعال در آیه ی ۷۹ سوره واقعه، در جایی که صحبت از بزرگی و عظمت قرآن است اینگونه بیان می‌دارد: «به جز افراد پاک و مطهر، کسی نمی‌تواند به حقیقت قرآن دست پیدا کند»<sup>۱</sup>. مراد از «مس» در آیه، «مس معنوی» است نه «مس ظاهری». آیه دلیل بر این نیست که به اصطلاح افراد نجس که نجاست ظاهری دارند نمی‌توانند مس قرآن بکنند، بلکه سنت یک چیز دیگر است. برای اینکه در «مس ظاهری» اگر کسی نداند که بدنش نجس است، در صورتی که به قرآن دست بزند اشکالی ندارد، اما این شخص در عین حال چون مطهر نیست، مس معنا نکرده است.

به این طریق قرآن خود راه را برای رسیدن به معنا و مفهوم قرآن به ما نشان می‌دهد و ما را برای فهم قرآن به سوی افرادی پاک و طاهر هدایت می‌کند. به این صورت با بهره گرفتن از وجود پیامبر اکرم و اهل بیت صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین در فهم کلام خدا با مشکل روبه‌رو نمی‌شویم.

در صورت استفاده از وجود اهل بیت علیهم السلام از تفاوت‌هایی که در درک معانی قرآن بین مسلمانان وجود دارد، اثری نخواهد ماند. با شناخت چنین افرادی، همه مسلمانان برای استفاده درست و صحیح از آیات خداوند به سوی اهل بیت علیهم السلام می‌آیند زیرا که تنها ائمه هستند که عمق مفاهیم و معارف قرآن را درک می‌کنند.

## عصمت اهل بیت علیهم السلام و تاثیر آن در زندگی ما:

اما جدای از تمامی این موارد اگر به واقعیت عصمت توجه کنیم، متوجه می‌شویم که طهارت اهل بیت علیهم السلام اثری عملی و بسیار عمیق در زندگی ما دارد که سرنوشت همه ما را به خود وابسته می‌کند. از آنجا که ما در زندگی روزمره خود با رویدادهایی مواجه می‌شویم که به تنهایی از عهده انجام آنها بر نمی‌آییم و واقعاً نمی‌دانیم چه باید بکنیم و در رابطه با آنها دچار سردرگمی می‌شویم. در این مواقع معمولاً به سراغ فردی می‌رویم که قابل اعتماد باشد تا بتوانیم مشکلمان را با او مطرح کنیم تا به ما کمک کند. مثلاً هنگامی که مریض می‌شویم، به خصوص اگر بیماری ما کمی سخت نیز باشد، معمولاً برای انتخاب پزشک با دوستان آگاه و مورد اطمینان خود مشورت می‌کنیم. انتخاب شغل هم در زندگی مان اهمیت زیادی دارد، لذا طبیعتاً برای انتخاب آن از فردی کمک می‌گیریم که بدانیم سال‌ها تجربه به دست آورده است و ما را دلسوزانه راهنمایی می‌کند.

اما اگر بخواهیم مسیر زندگی خویش را انتخاب کنیم، چه باید بکنیم؟ هزاران راه نرفته در پیش رویمان قرار دارد و ما نیز فرصتی برای تجربه مسیرهای مختلف نداریم و همه آنها را درست نمی‌شناسیم، کدام را باید انتخاب نماییم؟ به چه کسی باید اعتماد کنیم؟ بارها و بارها به بسیاری از افراد تکیه کردیم و سرانجام به زمین خورده‌ایم. آیا واقعاً هر شخصی می‌تواند ما را در مسیر پر پیچ و خم زندگی راهنمایی کند؟ اگر مسیر را اشتباهی به ما نشان دهد، آیا همه چیز خود را نباخته‌ایم؟

ولی با همه این حساسیت‌ها خداوند متعال ما را تنها و بی‌کس رها نکرده و راهی بسیار مطمئن را به ما معرفی نموده است. او به لطف خود برای ما اهل بیت علیهم السلام را قرار داده و با آیاتش عصمت آنها را برای ما تضمین نموده است. ائمه هیچ‌گاه اشتباه نمی‌کنند و افکار و نیاتشان پسندیده و خداگونه است و از هر گونه خطایی طاهرند. لذا اهل بیت علیهم السلام هیچ وقت به خاطر غرض‌های شخصی خود از ما استفاده نمی‌کنند و برای خودخواهی‌ها و افزون‌طلبی‌های خویش، ما را بازی نمی‌دهند. آنان اگر راهی را به ما نشان دهند، به خاطر منفعت شخصی خودشان نیست، بلکه تنها به خاطر خود ماست. از این رو اگر از اهل بیت علیهم السلام یاری بگیریم، راه را درست می‌رویم و دیگر احساس نمی‌کنیم که عمرمان را به بوجی گذرانده‌ایم و پس از گذشت سال‌ها دیگر افسوس نمی‌خوریم که چرا مسیر درست را انتخاب نکرده‌ایم و از موقعیت‌ها به درستی استفاده ننموده‌ایم. اهل بیت علیهم السلام راه نزدیک شدن به خدا را به ما نشان می‌دهند و اگر در مسیر آنان قدم گذاریم، زندگی‌مان رنگ و بویی خدایی پیدا می‌کند.

والحمد لله رب العالمین

و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطاهیرین.